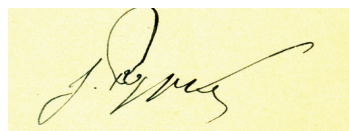


# ایران شناسی و ادبیات پارسی در چک و اسلواکی

بخش چهارم

پروفسور یژی ریپکا

سرم پور محسن



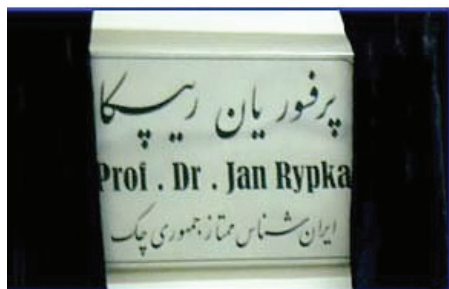
آنها مصاحبت و مجالست داشت. در اوایل سال ۱۹۱۱ بهارستان جامی را به زبان چک ترجمه کرد و پس از مدتی با همکاری بهترین شاعران چکوسلواکی هفت پیکر نظامی قلمی گنجوی را ترجمه کرد. سپس مجموعه عظیمی از اشعار نظامی را ترجمه و منتشر ساخت. منتخبی از آثار شعری فارسی را نیز در مجموعه کوچکی ترجمه و منتشر کرد. ریپکا به مسأله ترجمه از زبانی به زبان دیگر توجه دقیق داشت و مقاله‌ای در این زمینه در سال ۱۹۴۲ در مجله «کلمه و ادبیات» منتشر کرد. در این مقاله آثار فارسی را که برای ترجمه مناسب هستند مورد بحث قرار داده و معتقد است که در ترجمه این آثار به زبان چک مترجم باید آزادی کامل داشته باشد. به دلیل آنکه رعایت بجز و اوزان شعر فارسی به سبب محدودیت‌های قوافی در زبان چک و اشکالاتی که از این باب در ترجمه پیدا می‌شوند امکان‌پذیر نیست.

ریپکا از جمله استادانی بود که شاگردان و دانش‌پژوهان با شور و شغفی زاید الوصف به سخنانش گوش فرا می‌دادند. قبل از جنگ وی به عنوان استاد دانشگاه و طبقه داشت که دوره‌هایی برای تعلیم زبان فارسی به متخصصانی که به ایران می‌رفتند و یا برای علاقه‌مندان این زبان ترتیب دهد و از توفیق خود در آموختن زبان فارسی به مردم کشور خود خشنود و شادمان بود. وی همچنین اولین کسی بود که یک کتاب راهنما در مورد دستور زبان فارسی به زبان چک تألیف کرد.

یان ریپکا در تأسیس «مؤسسه شرقشناسی چکوسلواکی» شرکت داشت و قسمت اعظم نیروی خود را قبل از جنگ و بعد از جنگ در این مؤسسه صرف کرد. همکاریانش در این مؤسسه در هر کار با او مشورت می‌کردند و قبل از آنکه نظر او را جویا شوند به کاری نمی‌پرداختند. در مراسم هفتادمین و هشتادمین سال تولد او هفتاد دانشمند از سراسر جهان شرکت کردند و با نگارش مقالات متعدد مقام رفیع علمی و ادبی او را ستودند. در سال ۱۹۶۳ یان ریپکا دعوت شد که از ایران دیدن کند و این موفقیت بزرگ دیگری بود که در سالهای آخر عمر نصیب او گردید. در طول اقامت خود در ایران سخنرانی‌هایی در دانشگاه‌های این کشور ایراد کرد و در چندین جلسه مصاحبه مطبوعاتی و در برنامه‌های رادیو و تلویزیون طهران نیز شرکت کرد. در طهران به پیشگاه شاهنشاه آریامهر شرفیاب گردید و این بزرگترین افتخاری بود که به محقق و مروج عالیقدر زبان و فرهنگ ایران داده شد.

ریپکا دانشمندی فروتن و متواضع بود. علم و ادب و موسیقی را ازین دلدان دوست می‌داشت. به ادبیات لاتین نیز علاقه داشت. دوستان بی‌شماری داشت و آنها را صمیمانه دوست می‌داشت. در کمک کردن به مردم از هیچ چیز دریغ نمی‌کرد و چون گره‌ای از کار کسی می‌شود شادمان و مشغوف می‌شد. یان ریپکا مردی بزرگ و دانشمندی عالم‌مقدار بود. تاریخ جهان ایرانشناسی نام او را همواره با حروف زرین در صفحات خود ضبط خواهد کرد و مردم چکوسلواکی میراث عظیم او را گرامی خواهند داشت و نسل‌های آینده از آن متمتع خواهند گرفت. آثار ذقیمت وی برای همیشه منبع تفهیم و تفاهم و رفاقت و صمیمیت برای مردم چکوسلواکی و مردم ایران خواهد بود. مردمی که ریپکا فرهنگ و ادبشان را نیکومی دانست و آن مردم را صمیمانه دوست می‌داشت.

آن دانشمند نامدار متأسفانه مهلت نداد تا این تألیف مهم خود را پس از چاپ شدن مشاهده کند. ریپکا پس از نگارش اینمهمه آثار تحقیقی در مورد شعر فارسی و ترجمه‌هایی که از آثار دربار منثور و منظوم فارسی کرد و با تبحری که در تحقیقات زبانشناسی و تاریخی داشت شروع به تحریر کتاب عظیم خود تحت عنوان «تاریخ ادبیات فارسی» و تاجیک کرد. با آنکه در این زمینه مؤلفان دیگر آثاری نوشته بودند لکن عقاید و نظریات ایشان دیگر چندان قابل اعتماد نبود. دیگر آنکه این مؤلفان به نتایج تحقیقات محققان مغرب توجه نکرده بودند و نیز سخنی پیرامون ادبیات معاصر به میان نیاورده و ادبیات عامه را نیز از نظر دور داشته بودند. ریپکا بیش از دیگران صلاحیت داشت که در رفع این نقائص اقدام کند. وی مجمعی از همکاران و شاگردانش تشکیل داد و خود ریاست این مجمع را بعهده گرفت و در نتیجه اثری بوجود آورد که دانش‌پژوهان جهان مدتهای مدید انتظار آن را داشتند. این تألیف به جهت اهمیتی که دارد تاکنون دو بار در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۳ در چکوسلواکی چاپ شده است. این کتاب تاکنون بزبانهای انگلیسی و آلمانی



چاپ و منتشر شده و ترجمه لهستانی و روسی آن قریباً از چاپ خارج خواهد شد و در آتی نزدیک ترجمه ژاپنی، عربی، تاجیکی و فارسی آن در دسترس عشاق علم و ادب قرار خواهد گرفت. این تألیف در مقام مقایسه با تألیفاتی که قبلاً پرداخته آمده‌اند مزایایی بیشمار دارد. این تألیف مبین یگانگی و وحدت فرهنگ ایرانی از نقطه نظر زمان و فضا است و در عین حال کیفیت مشخص اموری را که از پیشرفت‌های ایدئولوژیکی و سیاسی در کشورهای اسلامی از ترکیه تا هندوستان سرچشمه گرفته است نشان می‌دهد. مزیت دیگر آن معرفی ادبیات تاجیکی است و این اولین بار است که فرهنگ و ادب ملت کوچک ولی فعال تاجیک در آسیای مرکزی در مطالعات شرقشناسی مغرب زمین مورد توجه قرار گرفته است. کیفیت مهم دیگر فهرستهای جامع آنست که نشان می‌دهد مؤلف جمیع کتب مهمی را که راجع به این موضوع در شرق و غرب نوشته شده‌اند مطالعه و بررسی کرده است. وی همچنین مقالاتی در حل مسائل زبانشناسی و از جمله مسأله رسم الخط فارسی و طریقه فرهنگ‌نویسی نوشت، وی همچنین نسبت به اعلام پیشرفت‌های مطالعات شرقشناسی در چکوسلواکی تمایل بسیار نشان می‌داد و در تنه‌ها رساله‌های مخصوصی در سال ۱۹۳۱ در مورد تاریخ مطالعات شرقشناسی نوشت بلکه صدها مقاله در بزرگداشت مستشرقان چکوسلواکی نوشت که همه آنها را شخصاً می‌شناخت و با اغلب

لطیفی بر ترجمه آلمانی رباعیات خیام نوشته است. مجمل کلام آنکه ریپکا در ادبیات کلاسیک فارسی و مخصوصاً اشعار فارسی متخصصی عالیقدر بود. در اوایل سال ۱۹۳۵ با مطالعه نوشته‌های صادق هدایت و بزرگ علوی به قدرت و استعداد نویسندگی این دو نویسنده جوان ایرانی پی برد. در این وقت در طهران بود و یکسال در این شهر اقامت کرد و مقاله‌ای تحت عنوان «ادبیات جدید ایران» نوشت و آن را در مجله آرشو شرقشناسی منتشر کرد. بدینوسیله این دو نویسنده ایرانی را در خارج از حدود و تغور ایران معرفی کرد و باعث شهرت آنان گردید. تردیدی نیست که نام هدایت در تاریخ ادبیات ایران به عنوان بهترین نویسنده زمان خود باقی خواهد ماند و بزرگ علوی که اکنون استاد دانشگاه برلین است در ردیف بهترین نویسندگان ایرانی و از متخصصان ادبیات فارسی می‌باشد. دیگر از کارهای مهم ریپکا در مورد ادبیات جدید فارسی مقاله‌ای است که راجع به پروین اعتصامی شاعر معاصر نوشته است. در این مقاله شعر معاصر فارسی را بطور کلی مورد تدقیق قرار داده است. یان ریپکا تعدادی مقاله نیز در مورد جنبه‌های کلی ادبیات فارسی از خود به یادگار گذاشته است که در حکم منابع مهم شعر معاصر فارسی می‌باشند. وی کتابی نیز در مورد معانی و بیان به بحور فارسی نوشته که اخیراً در آمریکا چاپ شده است و با اغلب

بحث هفته‌های قبل در باره ایران شناسی در چک و اسلواکی بود که با یاد و تصویر مرحوم پروفسور یژی ریپکا و یان ریپکا و استاد و دلف ماتسوخ و مقدماتی در باره آن پژوهشگران نامدار آغاز کردیم. این بحث البته ادامه خواهد یافت و در این بخش اضافات آشنایی با یان ریپکا و اتاکر کلیما و سپس گفتگو با دکتر محمود عبادیان و یژی ریپکا را تقدیم خواهیم کرد.

قسمت اعظم تألیفات ریپکا کتب و رساالی هستند که وی در مورد زبان و ادبیات فارسی نبشته است. وی پس از بررسی کردن و مطالعه دقیق اشعار ترکی متوجه این نکته گردید که شعر کلاسیک ترکی انعکاسی از شعر فارسی است. بدین جهت به مطالعه زبان و ادبیات فارسی پرداخت و تا پایان عمر همچنان در بحر بیکران ادبیات فارسی مستغرق بود. هفت پیکر نظامی را در سال ۱۹۳۴ به چاپ رسانید. نسخ خطی موجود در نهایت جد و جهد با یکدیگر مقابله نمود و چاپ انتقادی هفت پیکر را به جهان ادب عرضه کرد. قبل از انتشار این کتاب اولین مقاله خود را در سال ۱۹۳۲ در مورد هفت پیکر نظامی نوشت و آن را در مجله «انجمن زبانشناسی پراگ» منتشر کرد. این مقاله شامل تحقیقات دقیق و جامع ریپکا در مورد هفت پیکر نظامی می‌باشد. چاپ سال ۱۹۳۴ هفت پیکر نمونه و سرمشقی برای تحقیقات دیگری شد که در مورد آثار نظامی و ترجمه‌های آن به عمل آمد.

در سال ۱۹۳۵ تجزیه و تحلیل چند غزل نظامی به قلم وی در مجله ادبی ارمن چاپ تهران منتشر گردید و به دنبال آن ترجمه‌هایی از این غزلیات به عمل آمد که من بعد در مورد آنها صحبت می‌کنم. در سال ۱۹۵۱ مقاله‌ای به قلم ایران شناسان برجسته و از جمله دو مقاله به قلم پروفسور ریپکا که اولین مقاله راجع به تحقیقات تازه در مورد آثار نظامی بود در یکی از مجلات پاریس منتشر گردید. ریپکا مجدداً در هفت پیکر به تحقیق پرداخت و مقالاتی در این زمینه در مجله شرقشناسی در سال های ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ و رساله‌ای در مورد تجزیه و تحلیل متن هفت پیکر در مجله برتسل چاپ مسکو نوشت. در همین اوقات یکی از آخرین مقالات خود را تحت عنوان «ضرب المثل در لیلی و مجنون نظامی» در رشته تحریر کشید. پروفسور ریپکا مفتون و مسحور اشعار نظامی بود و عمر پرتی خود را در راه تحقیق و تدقیق اشعار در بار نظامی قلمی گنجوی صرف کرد. به همین مناسبت و حید دستگردی شاعر و دانشمند عالیقدر ایران ویرایه لقب مستشرق نظامی پرست ملقب کرد. در حقیقت وی نظامی شناس و متخصصی بلند مرتبه در شناخت و نقد اشعار نظامی بود. البته ریپکا در مورد نظامی کتاب مستقلاً نوشت لیکن مجموعه مقالات و رساالی و ترجمه‌های وی و همچنین مقدمه‌هایی که بر ترجمه‌های اشعار نظامی نوشته است مبین مقام رفیع نظامی در شعر کلاسیک فارسی می‌باشد. ریپکا دامنه تحقیقات خود را محدود به مطالعه آثار نظامی نکرد. در جشن هزاره فرودوسی که در سال ۱۹۳۴ در طهران برپا شد شرکت کرد و مقاله‌ای متمتع زیر عنوان «بحر متقارب اشعار حماسی فارسی» و «مطالعه تطبیقی شاهنامه، یوسف و زلیخا و گر شاسب‌نامه» نوشت. این مقاله در طهران منتشر شد و مورد توجه دقیق صاحب نظران قرار گرفت. چون نویسنده

